

بررسی مسائل:

- * نقش و رسالت وزارت کشور در حفظ وحدت.
- * نقل و انتقالات و انتصابات جدید در وزارت کشور.
- * انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی.
- * وزارت کشور و امنیت داخلی.
- * واکنش وزرای کشور در کشورهای اسلامی نسبت به پیام وزیر کشور در مورد فاجعه خونین مکه.
- * جنگ تحمیلی و تحرکات امریکا در خلیج فارس.
- * لبنان و وضعیت حزب الله و حرکت اسلامی در لبنان.

در مصاحبه با:

حجت الاسلام محتشمی وزیر محترم کشور

هماهنگی در مدیریت فعالیت های مختلف ارگانها و سازمان ها می بیند. در شرایط خاصی که کشور ما قرار دارد، اصلی ترین سیاست دولت، آماده ساختن مردم و بکار گرفتن امکانات و استعداد های کشور در خدمت جنگ است، برای این کار و تحقق این سیاست، نه تنها شرایط تفرقه و اختلاف انگیزی در شهرها و مناطق مختلف کشور و وجود تنش های مختلف سیاسی - اجتماعی بین اقشار مردم مقید نیست بلکه لزوماً می بایست آرامش، یکپارچگی و وحدت نظر بین مسئولین مختلف و اقشار مردم در کلیه سطوح فراهم باشد تا به تبع آن فرزندان ایران بیامیزد با آرامش خیال، شهر و کاشانه شان را به قصد جبهه های جنگ ترک کنند و سایر اقشار مردم نیز عملاً پشتیبانی و تدارک لازم را از آنها بنمایند. در این رابطه ما در این مدتی که مسئولیت وزارت کشور را عهده دار شده ایم سعی نموده ایم تا ابزار وزارت کشور در خدمت این هدف بزرگ نیز بکار گرفته شود و افرادی که بعنوان نمایندگان عالی دولت عهده دار اداره امور استانها و سایر بخش های کشور می شوند در این چارچوب انتخاب شوند و عمل کنند. لذا ایجاد هماهنگی بین مسئولین قوای سه گانه و دستگاه های اجرایی در استانها و نیز هماهنگی و همراهی با ائمه محترم جمعه و جماعات و روحانیون مناطق، همواره به مسئولین سیاسی توصیه شده و آنها نیز در این راستا توانسته اند در شرایط سخت کنونی کشور، مجریان صدیقی برای سیاست های دولت خدمتگزار باشند. بطور خلاصه اینکه ما در ارتباط با همه همکاران وزارت کشور خصوصاً افرادی که در این دوره از مدیریت وزارت کشور برای اداره امور سیاسی مناطق مختلف منصوب شده اند، توانائی در تعمیم و تحکیم وحدت عمومی و ایجاد

با سپاس فراوان از حجة الاسلام محتشمی که وقت گرانبهای خود را در اختیار امت پاسدار اسلام قرار دادند، استدعا داریم به سؤالی که ذیل پاسخ فرمائید:

۱- با توجه به اهمیت حفظ وحدت در سراسر کشور، نقش و رسالت وزارت کشور در این خصوص چیست و چه اقداماتی انجام گرفته است؟
بسم الله الرحمن الرحیم.

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی روحی فداه و آرزوی توفیق برای همه پاسداران اسلام در خدمت باسلام و مسلمین در ارتباط با اولین سؤالی که مطرح شده، بی مناسبت نیست که ابتدا اشاره ای به بخشی از وظایف کلی وزارت کشور داشته باشیم: وزارت کشور مسئولیت هماهنگی فعالیت های ارگانهای مختلف و سازمانهای دولتی را در سطح کشور و در راستای سیاست های عمومی دولت عهده دار است، همچنین بعنوان مسئول امنیت داخلی کشور، عهده دار ایجاد زمینه های آسایش و آرامش همگانی مردم نیز هست، لذا طبیعی است که با توجه به ارتباط این وظایف به شئون مختلف زندگی مردم از جمله مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زمانی وزارت کشور قادر به انجام فعالانه نقش قانونی خود هست که زمینه های هماهنگی و وحدت عمومی در جامعه موجود باشد و البته ایفای این نقش نیز خود به تحکیم و توسعه وحدت عمومی در سراسر کشور منجر میشود، یعنی وزارت کشور مهمترین نقش خود را در رابطه با تقویت و تحکیم زمینه ها و نمود های یکپارچگی جامعه جهت اجرای سیاست های دولت و

هماهنگی های بیشتر را بعنوان یک شاخص انتخاب اعمال کرده ایم.

۲- با توجه به اشاره ای که به موضوع انتصابات جدید در کادر سیاسی اداره امور استانها داشتید، لطفاً پیرامون سیاست حاکم بر این انتصابات و کم و کیف نقل و انتقالات انجام شده توضیحاتی بفرمائید؟

در ارتباط با تغییرات در کادر سیاسی وزارت کشور و آهنگ آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنده به مناسبت های مختلف مطالبی را با رسانه های عمومی مطرح کرده ام و مردم ما که با طبیعت و وظایف و مسئولیت های وزارت کشور آشنا هستند تا حدودی در جریان امور قرار دارند. لکن در این فرصت هم باختصار مطالبی را عرض می کنم:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون مدیریت وزارت کشور از نظر تفکیک مسئول و وزارت خانه به ۷ دوره تقسیم می شود. در ابتدا با روی کار آمدن دولت موقت بطور طبیعی پاکسازی وزارت کشور از عناصر سیاسی وابسته به رژیم سابق شروع شده و لذا انتصاباتی در دوران تصدی وزارت کشور کابینه دولت موقت صورت گرفته که آمار و مشخصات دقیق آنها استخراج شده است. لکن طبیعی است که در این دوران تصدی امور سیاسی توسط افرادی صورت گرفته که نوعاً مجری سیاست های دولت موقت و گرایشات مشخص آن بوده اند و لذا علی رغم پاکسازی های انجام شده، روند تغییر در کادر سیاسی استانداری ها در زمان کابینه شورای انقلاب نیز ادامه داشته است. پس از آن نیز با توجه به تنش های سیاسی موجود از جمله جریان بنی صدر، این تغییرات در جهت رسیدن به یک ثبات نسبی در کادر سیاسی اداره امور داخلی کشور و باصطلاح یک کاسه شدن مدیریت سیاسی جامعه پیش رفته است که البته سیر آن از نظر آماری کاهنده بوده و تغییراتی نیز که در این دوره صورت گرفته در همین مسیر و در مقایسه با آمار دوره های قبل در میزان کمتری قرار دارد.

اما آنچه که موضوع این تغییرات را گاهی اوقات بزرگتر از اندازه خودش جلوه می دهد تلاش و تحرک پاره ای افراد مغرض و با نا آگاه است که بنحوی بدبایال ارتباط دادن این تغییرات و انتصابات با موضوع انتخابات مجلس ویا تحولاتی از این قبیل اند که گاهی خودشان همزه وصل این ارتباط از آب در می آیند.

آنچه که بعنوان سیاست حاکم بر تغییرات کادر سیاسی در سطح کشور اعمال شده، انتخاب افرادی بوده که معتقد بولایت فقیه، همگام با دولت عهدنگزار مورد تأیید امام و توانا در ایجاد هماهنگی بیشترین مردم و مسئولین و روحانیون محترم مناطق باشند و بتوانند بنحوی مطلوب، مجری سیاست های دولت عهدنگزار در سطح کشور باشند.

البته در این میان نیز سعی شده حتی المقدور و در مرحله اول، از نیروهای مجرب داخل وزارت کشور استفاده شود ولی در مواردی بدلیل پاره ای کمبودها از خارج وزارت کشور و کادرهای مجرب دیگر نیز بخدمت گرفته شده اند.

در مورد کمیّت تغییرات نیز باید عرض کنیم: آنچه که بعنوان رقم انتصابات جدید در هر دوره مدیریت وزارت کشور منعکس میشود به اجزای متنوعی تفکیک میشود.

تعدادی از تغییرات با توجه به رشد و توانائی نیروها، ارتقاء یافتن آنها در مسئولیت بالا تر است. تعدادی دیگر با توجه به محدود بودن زمان مفید خدمت در یک منطقه جابجایی نیروها در مناطق مختلف است. پاره ای دیگر از احکام صادره به خاطر پر کردن پست های بلا تصدی است. تعدادی هم صرفاً یک حکم مجددی بعنوان تطبیق وضع استخدامی با قوانین استخدام کشوری می گیرند که در

آمارها بعنوان یک انتصاب جدید شمرده میشود و اینها کم هم نیستند، پاره ای نیز مأموریت شان تمام شده و به سازمانهای متبوع خود باید باز گردند و... در آخر نیز یک حداقلی به سبب ناتوانی در ابقای مسئولیت های محوله از امور سیاسی کنار گذاشته شده و در سایر مشاغل موجود در وزارت کشور و یا جاهای دیگر مورد استفاده قرار می گیرند که این عده در این دو سال گذشته کمتر از حدود ۱۳٪ کل پست های سیاسی وزارت کشور بوده اند و در عین حال نسبت به دوره های قبل - همانطوری که قبلاً عرض کردم - رقم به مراتب کمتری را تشکیل می دهند که خود نشانه نزدیک شدن به همان ثبات مدیریت و هماهنگی در اجرای سیاست های دولت می باشد.

ولی متأسفانه عده ای با علم به این موضوع منافع خود را در این می بینند که هراز چندی، بعنوان مختلف این موضوع را با انتخابات مرتبط کرده و شروع به جوسازی و گاهی نشر اکاذیب و افتراست بنمایند که البته بنده نیز بدلیل اینکه پرداختن به این موضوع و پاسخگویی به آن در تریبون های عمومی را نوعی وهن مجلس محترم شورای اسلامی می دانم چرا که اینگونه افراد از این طریق سلامت انتخابات گذشته و ترکیب فعلی نمایندگان مردم را نیز بنحوی مزاحمانه ای زیر سؤال می برند لذا تا کنون از پاسخگویی های متناسب آن خودداری نموده ام لکن از این به بعد با توجه به نزدیکی انتخابات و مسئولیت وزارت کشور در ایجاد امنیت لازم برای برگزاری انتخابات آزاد که مورد نظر و تأکید حضرت امام نیز هست، با هرگونه جوسازی و دروغ پردازی در این زمینه ها که بمنظور ایجاد عدم سلامت در اجرای قانون انتخابات، صورت بگیرد قاطعانه برخورد خواهد شد.

البته این نکته را هم اضافه کنم که پاره ای از این نظرات بخاطر سوء استفاده اشخاص مغرض از اعتماد برخی مسئولین بوده و با اطلاعات غلطی که بآنها منتقل می کنند و کرده اند آنها را با تشبیه انداخته اند که در موردی اخیراً این امر صریح شده تا یک حرف واهی به غلط با پنجانب نسبت داده شود و بر آن اساس، در جمع گروهی از مردم و در یکی از جرائد بآن استناد شود که خوشبختانه پس از توجه و توجیه گوینده محترم و اثبات موضوع قرار شد تا بهمان طریق و در همان سطح از افکار عمومی، عدم صحت موضوع توسط ایشان اعلام شود.

۳- نظر به نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات سوتین دوره مجلس شورای اسلامی و اهمیت آن در تعیین سرنوشت سیاسی و خط مشی حاکم بر اداره جامعه، لطفاً در ارتباط با وظایف قانونی وزارت کشور در برگزاری این انتخابات و اقدامات انجام شده توضیحاتی ارائه فرمائید؟

در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی، باید عرض کنم که، وزارت کشور همانگونه که قانون تعیین کرده، مجری قانون انتخابات یعنی برگزارکننده آن و نیز مسئول حسن جریان انتخابات می باشد. و شورای محترم نگهبان هم بحکم قانون، وظیفه نظارت بر انتخابات را برعهده دارد. البته قانون انتخابات و آئین نامه های مربوط به آن، جزئیات وظایف قانونی وزارت کشور و مجریان قانون انتخابات را به روشنی تعیین کرده لکن اهمیت و حساسیت انتخابات سوتین دوره مجلس شورای اسلامی و نقش عمده مجلس در اداره امور جامعه ما را بر آن و امی دارد تا از همه این قوانین و آئین نامه ها و دستورالعمل ها با دقت و تلاش بیشتری در جهت اجرای روح قانون که همان رهنمودها و نظرات مقام معظم رهبری است استفاده کنیم.

حضرت امام، چندی قبل به دو مناسبت مختلف و مرتبط با هم، نظراتی در خصوص کیفیت برگزاری انتخابات ابراز فرمودند و همچنین نوید این را دادند که



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

در آینده ای نزدیک بازهم با فرمایشاتشان راه را برای همه دست اندرکاران و مجریان قانون انتخابات و مردم شهیدپرور ما روشن تر فرمایند. آنچه که ایشان اشاره داشته اند و سرلوحه کار کلیه همکاران ما در وزارت کشور خواهد بود این است که: «ما باید مردم را برای انتخابات آزاد بگذاریم» و لذا وزارت کشور هم تمام توان و امکانات خودش را بکار خواهد گرفت تا در چارچوب وظایف قانونی این امر امام بمفهوم کامل آن تحقق پیدا کند. ما دستورالعمل ها و سفارشات لازم را به کلیه مجریان قانون انتخابات در سطح کشور کرده ایم و در مناسبت های بعدی نیز باشکال مناسب این معنی را فراهم خواهیم کرد که بهتر نحو ممکن می بایست شرایط لازم قبل از برگزاری انتخابات، و در حین آن و نیز بعد از آن، بگونه ای مهیا باشد که آزادی مردم در انتخاب نمایندگان خود برای تشکیل مجلس ستم دقیقاً تأمین شود. در این راه از همه امکانات قانونی خود نیز در راه برخورد با هرگونه تحرکی که منخل این شرایط لازم باشد و بنحوی از انحاء در تعارض با فرامین مقام رهبری و روح قانون قرار بگیرد، فاعطاله برخورد کرده و در صورت لزوم ا فشار مردم را به جهت مراقبت و هشجاری لازم در جریان قرار خواهیم داد. این کار با توجه به مسئولیت وزارت کشور در تأمین امنیت همه جانبه جامعه و از جمله امنیت انتخابات آزاد صورت خواهد گرفت البته انتظار اولیه ما این است که با همت و دقت همه دست اندرکاران امر انتخابات، مقدمات کار بگونه ای فراهم شود که این دوره از هر حیث، سالمترین و شایسته ترین انتخابات را با حضور گسترده اقشار مختلف مردم شهیدپرور سرزمین اسلامی ما برگزار کنیم و همانگونه که فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری نیز در فرمایشات چندی قبل شان با اعضای شورای محترم نگهبان تأکید داشتند که نظارت بر انجام انتخابات و نظارت قبلی بر امور بگونه ای دقیق انتخاب و اعمال شوند تا بعداً به ابطال صندوق رأی و بی اعتبار کردن بخشی از آراء مردم و دلسردی و بیاس آنان منجر نشود، تلاش خواهیم نمود تا این توجه و دقت قبلی در همه شئون برگزاری انتخابات اعمال گردد.

در ارتباط با بخش دوم سوال شما و اینکه چه اقداماتی تاکنون انجام شده باید عرض کنم که:

اقدامات لازم برای برگزاری انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی بخشی مربوط به تدارکات کار است که با توجه به زمان انتخابات که قبلاً هم اعلام شده و انشاء الله در اسفندماه سال جاری ثبت نام از کاندیدها و در فروردین ماه سال آتی انتخابات برگزار میشود، بکسری امور تدارکاتی و اداری بر حسب جدول زمانی متناسب با آئین نامه اجرایی در دست انجام است و انشاء الله با تلاش و همت مسئولین مربوطه آن در وزارت کشور همه مقدمات از این نوع در موقع لازم مهیا خواهد بود و بخش دیگری از کار نیز همانطور که توضیح داده شد مربوط به توجه و آماده سازی برگزارکنندگان انتخابات در سطح کشور است که انشاء الله بتوانند در انجام این امر مهم سربلند باشند. در این رابطه، دستورالعمل ها و بخشنامه هایی برای برادران استاندار در سطح کشور صادر شده که از جمله یکی از آنها در جهت اجرای اوامر حضرت امام مبنی بر اینکه بهیچ وجه از امکانات دولتی و بیت المال نیابت در جهت تبلیغات انتخاباتی استفاده شود تأکیدات لازم شده و نیز علی رغم اینکه بحکم قانون می بایست شاغلین پست های سیاسی تنها دو ماه

قبل از انتخابات مستعفی شوند ولی ما به جهت اینکه در آن فرصت کم احیاناً با خالی شدن پاره ای پست های سیاسی از جمله فرمانداری و بخشداری مواجه نشویم و نیز رعایت پاره ای مصالح دیگر از همه برادران خواسته بودیم که تا اواخر شهریور نسبت با اعلام و معرفی برادرانی که احیاناً قصد کاندیدا شدن دارند و در حال حاضر در پست سیاسی شاغل اند اقدام کنند تا در اسرع وقت نسبت به جایگزین کردن مسئولین جدید اقدام کنیم.

۴- با توجه به اشاره ای که به موضوع مسئولیت وزارت کشور در امور امنیت داخلی داشتید، لطفاً بفرمایند مرز بندی شخصی و قانونی بین وزارت کشور و سایر ارگانهای مرتبط در امور امنیتی چیست؟

بد نیست که ابتدا من مختصری درباره مفهوم «امنیت داخلی» صحبت کنم: «امنیت» فی الواقع مطلوبی است که نیاز به حکومت و قانون را شکل می دهد و همه جوامع بشری در مقیاس های مختلف از یک خانواده گرفته تا قوم و قبیله و شهر و کشور بر اساس نیازشان به امنیت برای ادامه حیات، قانون مند هم میشوند ما امنیت داخلی را «برقراری نظم عمومی و ایجاد زمینه های آرامش و آسایش همگانی در جامعه» تعریف می کنیم. بر این اساس امنیت داخلی در دو شکل که در واقع یکی است مطرح میشود: یکی برقراری نظم و دیگری ایجاد آرامش و آسایش مردم که البته اولی از مقدمات همان آسایش همگانی است. برقراری نظم در جامعه بر اساس قوانین و ضوابط موجود وسیله نیروهای انتظامی که در اختیار وزارت کشور هستند اعمال میشود ولی ایجاد زمینه های آرامش و آسایش همگانی در جامعه به عوامل و فاکتورهای مختلفی وابسته است و اینجا است که امنیت در مفهوم های جزئی تر دیگری که آنها به آسایش عمومی مربوط است خودش را نشان می دهد که امنیت در انتخاب های ضروری مردم برای نوع زندگی و معیشت شان مشارکت در اداره امور سیاسی جامعه، ارائه افکار و عقاید و... از جمله آنها است. طبیعی است که تأمین این زمینه ها به سهولت برقراری نظم در جامعه نیست ولی وزارت کشور از طریق سازمان های خود از جمله استانداری ها، فرمانداری ها، بخشداری ها و در آینده نزدیک دهداری ها، نقش اصلی را در دریافت شرایط جامعه، پرداختن به مسائل مربوط به آسایش عمومی، انتقال موارد و مطالب لازم به مراجع مربوطه و بطور کلی اداره اموری که به ایجاد زمینه های امنیت عمومی مربوط شود ایفا می کند.

البته قانون هم تشکیلات متناسب با این وظیفه را تعیین نموده و مسئولیت شورای امنیت کشور را که یکی از مشاوران مقام معظم رهبری در شورایی عالی دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرماندهان سپاه کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری و شهرداری جمهوری اسلامی و مسئول اطلاعات کل کشور از اعضای آن هستند را به وزیر کشور محول نموده است. از جمله وظایف این شورا، مشخص نمودن سیاست های عام امنیت داخلی کشور است و وظیفه دیگر آن که همان مورد سوال شما است، تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگانها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور است.

یعنی شورای امنیت کشور حسب مورد اموری را در چارچوب وظایف قانونی هر یک از اعضای خود به آنها محول می کند و در مواقع لازم نیز مواردی را با شورایی عالی دفاع هماهنگ می کند. البته در این مأموریت هائی که شورای امنیت کشور به هر یک از ارگانها محول می کند چارچوب و اصول قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی حکمفرما است و همانگونه که قانون اصل را بر تفکیک اطلاعات و امنیت گذارده، مأموریت های محوله نیز از این اصل تبعیت می کند. البته عوامل

اصلی اداره امور امنیتی کشور در سطح کشورهای تأمین استان، شهرستان هستند که آنها هم در مقیاس کوچکتری به همین شکل عمل می کنند و استانداران، فرمانداران بعنوان مسئولین حوزه مأموریت خود، فعالیت های ارگانها را رهبری می کنند.

۵- چندی قبل در ارتباط با فاجعه خونین مکه مکرمه جنبانی که به عاملیت وزارت کشور رژیم حاکم بر حجاز صورت گرفت، پیام هائی از سوی جناب عالی به عنوان وزرای کشور در کشورهای اسلامی ارسال گردید، چنانچه از عکس العمل گیرندگان این پیام ها اطلاعی رسیده، جهت آگاهی مردم، بیان فرمائید؟

همانطور که اشاره کردید، در پی حادثه خونین مکه علاوه بر نامه ای که سریعاً بعنوان وزیر کشور رژیم حاکم بر حجاز ارسال کردیم و در آن تا حدودی ابعاد فاجعه و نقش آمریکا و عقاب سعودی اش را باز کردیم و مسئولیت آنها را در قبال حوادث بعدی برای شهروندان ایرانی یادآور شده بودیم، پیامی نیز به تفصیل برای وزرای کشور دول اسلامی فرستادیم.

در این پیام، مفصلاً فلسفه اعلان برائت از مشرکین مستند به آیات قرآن کریم، جزئیات حادثه خونین مکه، تحرکات قبلی سعودی ها، نشانه های دخالت و کارگردانی صحنه توسط آمریکا، برخورد های بعدی مسئولین رژیم حاکم بر حجاز با حجاج ایرانی و نیز مستندات حضور مؤثر حجاج خارجی و غیر ایرانی در راهپیمائی و نیز وجود شهدائی از آنان در میان شهدای فاجعه ذکر شده بود و بمنظور روشن کردن جزئیات امر و خنثی کردن تبلیغات دروغین سعودی ها اشارات کاملی در آن بود، در این پیام با توجه به مسئولیت وزرای کشور در تأمین امنیت شهروندان خود و نیز اینکه بهر حال از جهات مختلفی ناتوانی رژیم حاکم بر حجاز در اداره امور امنیتی حجاج و حرمین شریفین بر همه ثابت شده و علاوه بر فاجعه سال جاری، در یک سلسله مسائل دیگر نیز آنها بی کفایتی و سرسپردگی خودشان را در ارتباط با اداره شهرهای مقدس مکه و مدینه ثابت کرده اند، پیشنهاد کرده بودیم تا قدمهایی برای اداره امور امنیتی حرمین شریفین توسط مسئولین مربوطه در کشورهای اسلامی برداشته شود.

البته این پیام کتبی توسط نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در کشورهای اسلامی در ملاقات حضوری با وزرای کشور آنها تسلیم آنها شده و گزارش عکس العمل های مقدماتی هر یک از آنها توسط وزارت امور خارجه مان بهار رسیده و تقریباً هر کدام در صحبت های شفاهی تأییدهای صریح و ضمنی بر نقطه نظرات و روایت ما از حادثه داشته اند و گفته اند که جواب کتبی هم خواهند داد. آنچه که برای ما مهم است این است بهر حال این پیام در اثبات دروغهای سعودی در نقل جزئیات حادثه آنها در روزهای اول پس از جنایت شان مؤثر بوده و دلیل آن هم این است که بلافاصله پس از ارسال پیام ها، مقامات رژیم حاکم بر حجاز عکس العمل نشان دادند و حتی یکی از آنها در مصاحبه مفصلی به نقد جزئیات مطالب این پیام و حتی اعتراض به ذکر آیات قرآن در توضیح فلسفه راهپیمائی برائت از مشرکین پرداخت که اینها حاکی از غضب و دستپاچگی آنها در افشای جنایت شان بود و نیز اینکه بهر حال موضوع خائنه نخواهد یافت و بهر نحو ممکن جمهوری اسلامی سعی در بیکار بردن امکانات خود و جهان اسلام برای اثبات بی لیاقتی آنها در اداره امور حرمین شریفین و نیز این معنی که قدامت این اماکن مقدس بحثی است که هیچ حکومتی به تنهایی مجاز به اداره امور حرمین شریفین و اعمال سیاست های خود بر آن نیست و بایستی توسط مسلمین جهان اداره شود خواهد کرد این وحشت آنها باعث شد تا از طریق همپالکی های شان

خود وارد معرکه شوند تا اگر قرار شود که با تلاش جمهوری اسلامی موضوع اداره جمعی حرمین شریفین به جانی برسد، این موضوع با حداقل آبروریزی برای شان تمام شود.

در این رابطه مصاحبه ای که شاه حسن مراکشی چندی قبل با مجله فرانسوی نوول آیزواتور کرده و حرفهایی که زده هم این مدعا را ثابت می کند و هم اینکه او هم با وجود ۲۵ شهید از حجاج مراکشی در بین قربانیان این فاجعه تاج و تخت خود را به خطر دیده و می بیند که دیگر نمی تواند در بین مردم خود حقایق را کتمان کند لذا شاه حسن مصاحبه می کند و خودش پیشنهاد تشکیل شورائی مذهبی بمنظور بررسی مسائل مربوط به اداره حرمین شریفین را می دهد و همان جا پیشگامی مسئولان ایرانی برای تشکیل چنین شورائی را مطرح می کند.

برای کسانی که شاه حسن و نقش حساس و مهم وی را در ارتباط با صهیونیست ها و شناسائی رژیم اسرائیل در کنفرانس قاس و جنایاتش علیه ملت مسلمان مغرب می دانند و از کینه او نسبت به انقلاب اسلامی و رهبران آن باخبرند مطالب این مصاحبه جالب و خواندنی است.

وقتی که خبرنگار از او می پرسد که آیا حوادث مکه وی را باین موضع رسانده که چنین شورائی را پیشنهاد بدهد؟ می گوید: «که باید دید که آیا یک میلیارد مسلمان در جهان همچنان موافقتند که عربستان سعودی مأمور نگاهداری و حراست از اماکن مقدسه اسلامی باشد یا نه؟ و بنحوی این صلاحیت را زیر سؤال می برد.

بعد در ارتباط با ایران که صحبت میشود گویا سوابق و لواحق خودش در ارتباط با شاه معدوم را که حتی پس از فرار از ایران مورد محبت او بود فراموش می کند و می گوید: «در مورد شاه ایران من از روزی که جشن های ۲۵۰۰ ساله را دیدم و در آن اثری از تاریخ اسلامی سرزمین پارس نبود باو بدین شدم در حالیکه همه مسلمین به مردم ایران مدیون اند و پیامبر اسلام هم برای ایرانیان احترام قائل بود و نخستین علمای علم حدیث هم فارسی (ایرانی) بودند والی آخر» تا جانی می رود که حتی حاضر میشود در ارتباط با جنگ تحمیلی نیز از وضع همیشگی اش تیری بجوید.

بنظر من این تحرکات و نظایر آن همه از تأثیر خون بناحق ریخته شهدای مکه است و اثری که این خونها در سرزمین های اسلامی ایجاد کرده و می کند و انشاء الله ملت های مسلمان یا حرکت و قیام خودشان فرصت حتی توبه ظاهری را هم به این گرگ های حاکم بر ممالک اسلامی نخواهند داد و همانطوری که مردم رشید ما در شرایط فعلی، ابرقدرت آمریکا و ارباب همه این طاغوت ها را به میدان مبارزه طلبیده اند، در سایر جبهه ها نیز خاکریزهای دشمنان اسلام یکی پس از دیگری سقوط خواهند کرد.

۶- شرایط کنونی جنگ تحمیلی و تحرکات قدرتهای خارجی در خلیج فارس از نظر جناب عالی چگونه است و در ارتباط با مقابله و دفاع در برابر خطرات و شرایط احتمالی چه اقداماتی صورت گرفته مردم ما در این شرایط چه وظایف مشخصی را عهده دار هستند؟

در ارتباط با خلیج فارس بهتر است که ابتدا مختصری در مورد تاریخچه حضور بیگانگان در خلیج فارس توضیح بدهم:

آشنائی اروپا با خلیج فارس پس از سفر مارکو پولو جهانگرد معروف به منطقه صورت گرفت. «آلفونس دالبوکوک» دریانورد مشهور پرتغالی در سال ۱۵۰۶ میلادی با ۱۴ کشتی جنگی به خلیج فارس حمله کرد و منطقه را اشغال



نمود و پرتغالی‌ها حدود یکصد سال استیلا داشتند. پس از پرتغال در سال ۱۶۱۳ انگلیس وارد صحنه خلیج فارس شد و در امر تجارت با دربار پادشاه عباس صفوی معاهداتی بسته شد. خلیج فارس راه دستیابی انگلیس به هندوستان را حدود ۶ ماه کاهش داده بود. شاه عباس با کمک و حمایت انگلیس‌ها بود که توانست پرتغال را از خلیج فارس بیرون کند و سپاهیان الهوردیخان بندر جردن یا بندرعباس فعلی را تسخیر نماید.

در سال ۱۶۲۳ هلندی‌ها و در سال ۱۶۹۹ فرانسوی‌ها نیز وارد خلیج فارس شدند. پس از سلطنت صفویان، نادرشاه افشاروالی فارس محمدتقی خان را به سرکوبی عوامل اشغالگر فرستاد که وی با چهارناو جنگی، چند کشتی کوچک، ۵۰۰۰ نفر جنگنده پیاده و سوار و ۱۵۰۰ رأس اسب بطرف مسقط حرکت کرد و در نبردی کامل بر دشمن پیروز شد که این دوره را می‌توان دوران سیادت دریائی ایران نامید.

در دوران قاجار، انحطاط و ضعف ایران بروز کرد و اعراب به حاشیه جنوبی خلیج فارس دست انداختند. شوروی نیز برای دستیابی به آبهای گرم جنوب، قصد خلیج فارس را نمود لذا است که می‌بینیم مجدداً انگلیس بعنوان جلوگیری از سایرین در سال ۱۸۱۶ میلادی در خلیج فارس حضور نظامی پیدا می‌کند، انگلیس ابتدا از رضاخان پهلوی در خلیج فارس حمایت می‌کند ولی بعدها به سبب تمایل رضاخان به هیتر، انگلیس و شوروی مشترکاً به نیروی دریایی ایران حمله کرده و در سوم شهریور ۱۳۲۰ آن را کاملاً از بین می‌برد البته انگلیس مجدداً به سبب مشکلات اقتصادی در سال ۱۹۶۸ از خلیج فارس خارج شده و جای خود را به آمریکا می‌دهد.

اهمیت خلیج فارس علاوه بر وجود حدود ۶۰٪ ذخائر نفتی دنیا در زیر آبهای آن، و نیز نقش استراتژیک آن بعنوان گذرگاه سه قاره جهان از نظر وجود معادن مختلف، آبریان، مروارید و مهمتر از همه بازار مصرف کالاها و فریب بودن همواره آن را مورد طمع استعمارگران قرار داده است.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی وضع بگونه‌ای بود که با پول و ثروت منطقه خلیج فارس منافع آمریکا تأمین می‌گردید. این موضوع بخوبی توسط حضرت امام در مصاحبه‌شان با یک خبرنگار خارجی در پاریس تشریح شد، ایشان فریب‌های مضمون فرمودند که:

«ما نفت را استخراج می‌کنیم و به آمریکا می‌دهیم و ظاهراً دلار می‌گیریم در صورتیکه آمریکا دلار چندانی به ما نمی‌دهد بلکه در مقابل به ما اسلحه می‌فروشد و طبیعی است که در این معامله اسلحه هم سود می‌برد از طریق این معامله بخشی از ارزش نفت و با قدرت فروش ما کاهش می‌یابد متعاقباً برای آموزش کاربرد اسلحه‌ها مجدداً از ما هزینه می‌گیرد و از این طریق هم بخش دیگری از درآمد ما را نگه می‌دارد وقتی هم که سلاح بایران می‌آید، بدستور آمریکا این سلاح برای حفظ منافع وی بکار می‌رود».

والیه ما شاهد بودیم که ارتش ایران بدستور آمریکا و با اشراف مستشاران نظامی آمریکا این سلاحها را در نقاط مختلف جهان که آمریکا می‌بایست خود درگیر میشد بکار می‌برد، بعنوان مثال وقتی آمریکا درگیر جنگ با ویتنام است به شاه دستور می‌دهد تا فانتوم‌های ایران با خلبان ایرانی تحت فرماندهی نیروهای آمریکائی به ویتنام حمله کنند که طبیعی است هزینه‌های انجام این حملات نیز با ایران بود و یا در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷، تعدادی از این هواپیماها در خدمت اهداف اسرائیل قرار داشتند، بهرحال تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در عین حال که آمریکا، عملاً و رسماً هیچگونه حضوری در خلیج فارس ندارد لکن از همه منطقه توسط ژاندارمش بنفع خود استفاده می‌کند همانگونه که از هند و سرایان هندی توسط استعمارگران انگلیسی استفاده می‌شد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این معادله کاملاً بهم خورد و در حالی ایران از دست آمریکا خارج شد که بیشترین مرزآبی را در خلیج فارس دارد و این ضربه محکمی بر منافع آمریکا و غرب به حساب آمد لذا طبیعی بود که آنها همانگونه که در طول تاریخ عمل کرده‌اند، سعی کنند دوباره و به نحو دیگری به منطقه مهم خلیج فارس باز گردند البته آمریکا بدلیل شکست‌های نظامی در ویتنام و لبنان نمی‌توانست به راحتی و علنی در منطقه حضور نظامی پیدا کند چرا که افکار عمومی داخل آمریکا و وحشت مقامات آن به دولت اجازه نمی‌دهد که مثلاً بیش از ۳ ماه بدون مجوز کنگره در نقطه‌ای از جهان تحرک و حضور نظامی داشته باشد، از طرف دیگر وابستگان آمریکا در خلیج فارس هم که جرأت دعوت رسمی و علنی از آمریکا برای پشتیبانی نظامی را نداشتند این بود که موجب شد چندی قبل، ریگان به خاطر باز یافتن حیثیت از دست رفته آمریکا در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران به پهنانه‌های مختلف وارد خلیج فارس شود.

آنها از ابتدا اهداف خود را برای اینکار سه چیز اعلام کردند:

- ۱- حفظ منافع آمریکا در خلیج فارس.
- ۲- حفظ منافع و ثبات دوستان و متحدان آمریکا در خلیج فارس.
- ۳- خاتمه دادن به جنگ تحمیلی.

در حال حاضر نیز دقیقاً همین اهداف را دنبال می‌کنند، متهمی این بار با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند که دعوت از اروپائی‌ها و کشاندن پای ناتو به خلیج فارس نیز در همین رابطه است. بنظر من هدف آمریکا از دعوت از اروپا برای حضور نظامی در خلیج فارس، یاری رساندن به نیروهای آمریکائی نبوده چرا که همه می‌دانند که در معادلات نظامی اگر قرار باشد ایران شکست نظامی بخورد اینکار به تنهایی از توان نظامی ظاهری آمریکا بر می‌آید و نیازی به اروپائی‌ها نیست و در فرض دیگر اگر ایران شکست دادنی نباشد و در رویارویی نظامی این امر از آمریکا ساخته نباشد که نیست از اروپائی‌ها هم بطریق اولی کاری ساخته نخواهد بود، لذا است که می‌بینیم آمریکا با این هدف اروپائی‌ها را به میدان کشانده که در صورتی که در برخورد با ایران آثار شکست در وی ظاهر شود اولاً شریک جرم داشته باشد ثانیاً به راحتی خود را کنار بکشد و بار شکست را به

آنها منتقل کند و البته در صورت بردن منافعی از این رویانی سهم ناچیزی را به آنها خواهد داد چرا که ادعا خواهد نمود که امریکا بیشترین حضور و امکانات را در صحنه داشته است نه آنها.

بهر حال آنچه به ما مربوط میشود این است که بعنوان یک انقلاب می‌بایست همواره سعی کنیم اولین گامهای ورود دشمن به سرزمین خود را بشکنیم تا آنها هوس پیشروی پیدا نکنند بعنوان مثال چنانچه اولین ناوگان جنگی امریکا مورد حمله واقع میشد آنها دیگر اجازه نمی‌یافتند حضور گسترده فعلی را در خلیج فارس اعمال کنند ولی در حال حاضر نیز با پیروی از این اصل که با متجاوز می‌بایست در زمانی که در خانه ما تثبیت نشده جنگید باید امکانات خود را بکار گرفته و آنها را از کاری که کرده‌اند پشیمان کنیم قطعاً ما از ویشنامی‌ها کم‌انگیزه‌تر نیستیم آنها حدود ۱۵۰/۰۰۰ نفر نیروی تثبیت شده امریکا را در خاک خود شکست دادند و ما علاوه بر انگیزه‌های ملی و میهنی، اسلام، و شهادت طلبی را هم داریم و برای اینکه کار به آن مراحل کشیده نشود باید عملیات منظم و نامنظم جریکی را علیه امریکا و منافعش در خلیج فارس شروع کنیم.

البته نکته ای که در اینجا قابل ذکر است اینست که، چندی قبل، غرب در یک فریب تبلیغاتی، شروع به تعریف و تمجید از هوشیاری و ذکاوت سیاسی ایران در ارتباط با امریکا و غرب نمود و تبلیغ کرد که ایران در تحریکات سیاسی اش بسیار موفق بوده و دیگر به عملیات خشک نظامی اکتفا نمی‌کند و در جنگ سیاسی با امریکا و عراق نیز بطور دقیق و هوشیارانه عمل می‌کند و امریکا را نگران کرده و... این حرکت حساب شده و فریب سیاسی، چیزی است که ما حدود ۹ سال است از آن پرهیز داریم چرا که تجربه فلسطین بما نشان داده که جواب گلوله، فقط گلوله است و بس و بقیه حرفها جز خسارت حاصلی ندارد، آنها در این مقطع این حرکت را شروع کردند تا جلوی تحرک نظامی ما را در جبهه‌ها بگیرند و بما اینگونه القاء کنند که برای پیروزی نیازی به جنگیدن نیست و می‌توان در صحنه سیاسی هم پیروز شد؛ البته این باعث خواهد شد که تا حدودی رکود در جبهه‌ها حاصل شود و نیروها نیز به دو جبهه سیاسی و نظامی تقسیم شود و ما در دنیا چهره قهرآمیز انقلاب در مقابل مستکبران را از دست بدهیم و ملت‌ها هم به این باور برسند که تر انقلابی بودن در همه حالات، تر مردودی است. آنها نیز با همین اهداف و نیز اینکه،

بتوانند روی روحیه مردم ما که اصلی‌ترین سلاح انقلاب است اثر منفی گذارند این طرح را دنبال می‌کنند و طبیعی است که بر خورد ما و سیاست جنگی مان باید بر اساس نظرات رهبر انقلاب و رهنمودها و اوامرشان در منشور انقلاب اسلامی و پیام برائت از مشرکین تدوین شود که فرموده بودند: «ما باید دندان‌های امریکا را در دهانش خرد کنیم» که این کار هم جز با مشت گره کرده و کوبیدن آن به چهره دشمن دست یافتنی نیست.

در ارتباط با بخش دوم سؤال و اینکه در مقابل خطرات احتمالی چه تدابیری اندیشیده‌ایم و مردم چه وظایفی دارند؟ باید عرض کنم: یک نکته بخوبی روشن است که موضوع امریکا و عراق از هم قابل تفکیک نیست و اگر در گذشته فقط ما متوجه این موضوع بودیم الآن همه دنیا بوضوح این پیوستگی را می‌بیند لذا ما باید بنحوی آمادگیهای خود را توسعه و تنظیم دهیم که متجاوزین نتیجه نگیرند که ما فقط توان حراست از یکی از مرزهایمان را داریم و آنها را وسوسه کند تا از مرزهای دیگر تجاوز را شروع کنند، ما باید بهر حال در هر دو مرز که در واقع یک جبهه است آمادگی داشته باشیم و بدانیم که وقتی امریکا آمده تا از سقوط صدام جلوگیری کند، طبیعی است که بعنوان عقبه صدام عمل خواهد کرد و لذا ما اگر به عقبه دشمن حمله بکنیم قطعاً صدام هم خواهد رفت. در حال حاضر امکانات کشور سرعت برای هر نوع رویارویی لازم با دشمنان اسلام احصاء و برنامه ریزی شده و همانگونه که امام ما فرموده‌اند: «وقتی صدام تجاوز را شروع کرد ما خود را برای بیست سال جنگیدن آماده کردیم». این آمادگی در آن بخشی که به دولت مربوط میشود در جهات و جنبه‌های مختلف بهمت همه خدمتگزاران مردم فراهم است و در آن قسمت اصلی که به مردم ما مربوط است نیز، تجربه و گذشته نشان داده که درجه آمادگی مردم همواره فوق تصور بوده است، الآن عظمت انقلاب اسلامی که در طول این ۹ سال پشت تمامی پیشقراولان و فرستادگان امریکا را به خاک سیاه رسانده، قداره بند و باجگیر اصلی منطقه و جهان را وادار ساخته که خود در صحنه حاضر شود و بدیهی است که لذت شیرینی پیروزی بر غول استکبار عصر حاضر، هیچگاه از ذائقه ملت‌های تحت ستم و مستضعف جهان نخواهد رفت خصوصاً اینکه هم اکنون در نقاط مختلف جهان و خصوصاً سرزمین لبنان، مسلمانان چشم به رویارویی ما با امریکا دوخته‌اند.



کتابخانه و مرکز تحقیقاتی و فرهنگی
 در شهر قم، استان قم، جمهوری اسلامی ایران
 آدرس: قم، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰
 تلفن: ۰۲۵۱۲۲۲۲۲۲۲

۷. با توجه به امتداد خط مبارزه انقلاب اسلامی با استعمار جهانی در سراسر جهان و اینکه در حال حاضر مسلمین لبنان در خط مقدم مبارزه با صهیونیست ها از آرمان های انقلاب اسلامی دفاع می کنند، لطفاً پیرامون شرایط فعلی لبنان، جناح های سیاسی وابسته در لبنان، نیروهای حزب الله و حرکت اسلامی و وظایف مردم ما در قبال همسرگانشان در لبنان توضیحاتی بفرمائید؟

لبنان که در طول تاریخ به همراه سوریه، فلسطین و اردن مجموعاً به «شامات» معروف بوده مورد توجه کشورهای استعمارگر و بخصوص امپریالیزم غرب، بوده و در همین رابطه توسط آنان تجزیه شده است. دنیای غرب این کشور را بعنوان یک کشور استراتژیک برای منافع خود قلمداد نموده و آن را بصورت دروازه ای جهت نفوذ استعمارگران به کشورهای اسلامی درآورده است. لذاست که می بینیم در طول سال های درازی لبنان بعنوان یک آزمایشگاه و یا بتعبیر دیگر یک کشور آزاد جهت تجربه سیاست های استعماری گوناگون مورد استفاده غرب و شرق قرار گرفته است.

در این شرایط، با توجه به رشد سیاسی- فرهنگی مردم لبنان از یک سو و تقو و نیاز شدید جامعه به امکانات مختلف از سوی دیگر، زمینه مستعدی برای تشکل های سیاسی گوناگون فراهم شده و طبیعی است که کشورهای مختلف دنیا نیز از این فاکتورها بهره برداری کرده و تشکل های مختلف سیاسی و احزاب گوناگون با ایدئولوژی های رنگارنگ را در این کشور بر پا داشته اند. لذاست که می بینیم در طول تاریخ، زمینه های دینی و مذهبی نیز در لبنان تحت تأثیر جنبه های سیاسی و استعماری قرار داشته و حتی رهبران لبنان نیز از این تأثیر مستثنی نبوده اند بطوریکه، در بین رهبران مذهبی نیز، رنگ و صبغه سیاسی بر رنگ و چهره مذهبی شان می چربیده است. این وضعیت تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شدت ادامه داشته و بعد از پیروزی انقلاب نیز کم و بیش تا قبل از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی وضع اینگونه بوده است.

در ارتباط با جناح های سیاسی لبنان، در گذشته که صد درصد احزاب و گروه ها به چپ یا راست وابسته بوده و از سازمان ها و کشورهای استعماری خارج لبنان امکانات و دستوری گرفته اند و متأسفانه در حال حاضر هم اکثر اینگونه هستند و ما در شرایط سخت کنونی شاهدیم که بعضی از رهبران مذهبی حتی شیعه نیز، از کشورهای وابسته خارجی کمک دریافت می کنند و کار به جانی میرسد که رئیس رژیم حاکم بر حجاز بمنظور مطامع سیاسی، برای یکی از رهبران مذهبی لبنان، گوشت قربانی مراسم حج امسال را می فرستد تا وی بعنوان کمک بین مردم فحطی زده لبنان توزیع کند!! این رویه ها بوضوح میزان وابستگی

فکری و سیاسی رهبران لبنان را به جریان های ناسالم خارج از کشور نشان می دهد.

نقشه شوم و مرموزانه دیگری که در طول سال های دراز توسط دشمنان اسلام مطرحی و هدایت میشد و بخصوص در ابتدای حمله اسرائیل به لبنان، برای خود اینجانب بسیار قابل توجه بود اینکه، همواره سعی نموده بودند، مرجعیت اسلام و شیعه را بنحو مرموزانه ای از روحیات انقلابی و ضد امریکائی و ضد اسرائیلی و مخالف قدرتهای شرق و غرب دور کنند که در این رابطه، قریب درسی سال گذشته مصداق بارز این معنی برخورد با حضرت امام خمینی روحی فداه در لبنان بود که همواره سعی شده بود مسیر مرجعیت و تقلید در لبنان از حضرت امام دور شود بتحوی که در دوران اوجگیری انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام عزیز، حتی مجلس اعلای شیعیان لبنان چهره های دیگری به جز حضرت امام را بعنوان مرجعیت شیعیان لبنان مطرح نمود.

اینها همه نشان دهنده همان حرکتی است که بر تمام شئون مراکز سیاسی- حزبی و حتی دینی- مذهبی لبنان سایه افکنده و کم کم باعث گردید تا دست استعمار برای امیرای اهداف پلیدشان در لبنان بازتر شود تا اینکه در کوران حمله اسرائیل به لبنان در خرداد سال ۱۳۶۱ در بررسی راه های نجات لبنان، چاره را در این دیدیم که موانع ارتباط مستقیم و نزدیک شیعیان لبنان و سایر مسلمانان منطقه با حضرت امام بعنوان ولی فقیه و مفترض القاعه هر چه سریعتر برداشته شود و لذا در همان صورت دست بکار شدیم و بمرور زمان هر چه در این راه موفق تر شدیم، رشد و شکوفائی انقلاب اسلامی در لبنان پیشتر شد و خوشبختانه وجود و شکوفائی روحانیون جوان و انقلابی در لبنان باعث شد که این حرکت شتاب بیشتری داشته باشد. البته ما در کنار رشد روحانیون جوان حاضر در صحنه انقلاب سعی در جذب علماء و روحانیون سالخورده و بتعبیر دیگر رهبران روحانی شناخته شده لبنان هم کار کرده ایم چه آنهاست که در ارتباط با مجلس اعلای شیعیان لبنان اند و چه دیگری که خارج این مجلس اند ولی متأسفانه در اثر رسوبات فکری سال های دراز در آنان، چندان موفقیت نداشته ایم. بهر حال امروز امید انقلاب اسلامی علماء و روحانیون جوان لبنان اند که در صحنه انقلاب اسلامی حاضرند و باید در ارتباط با آنان فعال تر برخورد شود و در کنار آن از بزرگ کردن و عنوان دادن به چهره های سیاسی- روحانی شناخته شده پرهیز شود چرا که، آنها هر چند توسط انقلاب و جمهوری اسلامی مشروعت و وجاهت پیدا کرده اند لکن این وجاهت غالباً در جهت عکس اهداف انقلاب اسلامی مصروف می گردد.

و اما در ارتباط با بخش دوم سؤال و اینکه مردم ما در قبال حرکت اسلامی لبنان و نیروهای حزب الله چه وظایفی بعهده دارند؟ در پاسخ باید عرض کنم که همراهی و همکاری و همدردی مردم ما با مسلمین لبنان چند جنبه دارد:

اول اینکه، مردم ما بخوبی می دانند که اگر در هر گوشه ای از جهان کشور یا مردمی مورد هجوم ابرقدرتها قرار بگیرند وظیفه همه انسان های آزاده جهان، همکاری، دفاع و جلوگیری و رفع تجاوز و ظلم و ستم از هموعان خود می باشد. البته در این رابطه در دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ و خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان های مختلفی در جهان با همین شعارها بوجود آمد ولی در

عمل تحت تأثیر قدرتهای بزرگ قرار گرفت بنحوی که هرگاه امنیت کشوری و دفاع از آن در مقابل متجاوز، معارض با اهداف و سیاست‌های ابرقدرت‌ها باشد، سازمان‌های بین‌المللی هیچگونه مصوبه و دفاعی نخواهند داشت و اگر هم چیزی بگویند زمانی مورد عمل واقع میشود که مهر تأیید ابرقدرتها را بر خود داشته باشد. لبنان مثال واقعی این موضوع است. در طول ۴۰ سال گذشته، این سرزمین مورد تاخت و تاز بیگانگان از جمله انگلیس، فرانسه، امریکا، اسرائیل و... قرار گرفته ولی صدای مظلومیت مردم مسلمان آن به جانی نرسیده و اگر هم سازمان ملل اقدامی نموده کاملاً در جهت منافع متجاوزین بوده بنحوی که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل به جای برقراری امنیت مردم لبنان حافظ منافع اسرائیل بوده‌اند و نه تنها هیچگاه مانع پیشروی اسرائیل در سرزمین لبنان نشده‌اند بلکه بعکس تعداد قابل توجهی از فرزندان مسلمان لبنان نیز بدمت آنها شهید شده‌اند. این‌ها از جنبه انسانی برای ملت ایران وظیفه و تکلیفی را ایجاد می‌کند که می‌بایست به مردم لبنان و فریاد مظلومیت آنان پاسخ مناسب داده شود.

و اما جنبه دوم، وجه اسلامی قضیه است. اصولاً هر فرد مسلمان همانطور که وظیفه دارد از جان و مال و ناموس خودش دفاع کند، با تمام امکانات خود، نسبت به اسلام و مسلمین و قلمرو کشور اسلامی مسئول است. اینگونه نیست که ماتنها نسبت به محدوده جغرافیائی سرزمین ایران اسلامی مسئولیت داشته باشیم. ایران بعنوان جزئی از خاک اسلام مطرح است و لبنان نیز جزء دیگر آن بحساب می‌آید. لبنان خط مقدم مواجهه اسلام با استکبار جهانی و صهیونیزم است و مردم ما بعنوان وظیفه اسلامی خود باید در کنار مسلمانان لبنان که کشورشان مورد تجاوز استکبار جهانی و صهیونیزم قرار گرفته است باشند و با آنان به اشکال مختلف کمک و یاری برسانند.

جنبه سوم بر وظیفه مردم ما نسبت به حرکت اسلامی و حزب الله در لبنان مشرب است اینکه، ما و متقابلاً مردم لبنان، حرکت اسلامی در لبنان را فرزند انقلاب اسلامی می‌دانیم و می‌دانند و ما علاوه بر جنبه دوم که بحکم مسلمان بودن نسبت به همه ملت‌های اسلامی وظیفه داریم، در مورد مسلمین لبنان به دلیل اینکه آنها تربیت شدگان مکتب انقلاب اسلامی ایران‌اند و بمصداق «الأقربون اولی بالمعروف» وظیفه خاصی نری داریم، ما بهرحال پس از پیروزی در جنگ تحمیلی وظیفه اسلامی و شرعی داریم که به خاکریز جلوتر

که مرزهای فلسطین اشغالی است برویم و تنها موقعیت جغرافیائی مناسب که چنین امکانی را بیا می‌دهد لبنان و مرزهای جنوبی آن است. آماده کردن این منطقه استراتژیک و خط حمله، چنانچه موکول به پس از پیروزی بر عراق شود، سالیان درازی طول خواهد کشید، لذا می‌بایست از هم اکنون این جنبه را گرم نگاهداشت و این کار بزرگی است که هم اکنون توسط فرزندان انقلاب اسلامی در لبنان صورت می‌پذیرد و آنها این جنبه را آماده و گرم نگاهداشته‌اند لذاست که از این جنبه نیز ما و مردم ما وظیفه متقابلی نسبت به مبارزین مسلمان لبنان احساس می‌کنیم.

آخرین جنبه وظیفه بزرگ ما در قبال مسلمین لبنان این است که آنها همه شداندی را که هم اکنون تحمل می‌کنند نه بخاطر لبنانی بودن آنها و یا شخصاً به دلیل عام مسلمان بودنشان است، بلکه فشاری که امریکا، اسرائیل و سایر قدرتهای ضداسلام به آنها وارد می‌کنند به سبب حمایت و جانبداری عملی آنها از جمهوری اسلامی ایران است. جرم آنها از نظر استکبار جهانی، بیشتر از مسلمان و شیعه بودنشان، دفاعشان از انقلاب اسلامی است. جرمشان این است که از جمهوری اسلامی در ارتباط با جنگ تحمیلی دفاع کرده‌اند و در تحقق آرمانهای آن به شعار اکتفا نکرده و وارد عمل شده‌اند، جرمشان این است که با شروع جنگ تحمیلی، با همه مزدوران عراقی و عوامل وابسته‌شان و احزاب و گروههای جیره‌خوار عراق در لبنان جنگیدند و آنها را تارومار کردند، سفارت عراق را منهدم و آنها را از منطقه غرب بیروت بیرون کردند و در طرابلس با تلاش علامه شیخ سعید شعبان از علمای اهل سنت لبنان و نیروهای حرکت توحید اسلامی داروستانه حزب بعث عراق به رهبری دکتر عبدالمجید رافعی شکست خورده و از طرابلس بیرون رانده شدند. و بالاخره جرم آنها این است که حتی در زمانی که ما در مرحله شعار مبارزه با اسرائیل و یا درگیری مستقیم با امریکا بوده‌ایم، آنها با عملیات استشهادی پایگاههای نظامی امریکا و اسرائیل را درهم کوبیده‌اند اینها هم مسئولیت‌های جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران را بعنوان یک وظیفه انسانی اسلامی، انقلابی و نیز در رابطه با اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی سنگین‌تر نموده و ما را و ما می‌دارد تا موضوع پشتیبانی از جنبه‌های لبنان را بطور کاملاً جدی‌تر در میان جامعه خود مطرح کرده و عملاً به آن بپردازیم.



و اما کلام آخر اینکه، مردم ما بطور مشخص در حال حاضر چه نوع کمک‌هائی باید به برادران و خواهران خود در لبنان بنمایند. در جریان مبارزه مردم مسلمان لبنان با استکبار جهانی، طبیعی است که ابتدا باید نیازهای آنان برای شکوفائی این مبارزه آزادیبخش که از جمله، آموزش‌های عقیدتی و ایدئولوژیک، اخلاق اسلامی و آموزش‌های سیاسی. بعنوان زیربنای تحوّل اسلامی است تأمین شود و نهایتاً در مورد آموزش‌های نظامی و روش‌های مقابله با دشمن در داخل و خارج است و در کنار آن نیاز به سلاح و مهمات برای جنگیدن با دشمنان اسلام اقدامات لازم صورت گیرد، که بحمدالله ایران اسلامی در این زمینه‌ها در یک حدّ نسبی موفق بوده و امیدواریم که وظیفه ما بنحو کامل عملی شود.

لکن وجه دیگر نیازها، همانگونه که بطور طبیعی در چنین شرایطی سخت و دشوار که ناشی از قیام مردم مسلمان و مقابله دشمن با آنان است عارض میشود، کمبودهای غذائی و داروئی و تنگناهای اقتصادی و معیشتی است.

هم اکنون مردم مسلمان لبنان دچار کمبود شدید مواد غذائی، داروئی و امکانات بهداشتی و درمانی هستند، وضع معیشتی مردم بسیار وخیم شده و به تعبیری قحطی حاصل از جنگ با دشمن خارجی و همزمان جنگ داخلی بر آنها سایه افکنده است. بسیاری از مردم آبرومند مسلمان که برخی از آنان قبلاً از توان لازم مالی برخوردار بوده‌اند اینک در اثر گرسنگی زن و فرزندانشان، نیمه‌های شب در مراکز زباله در جستجوی نان خشک شده و ته مانده‌های غذا هستند تا خانواده‌شان سداجویع نمایند. با سیاست مالی استعماری بیگانه توسط حکومت مارونی و فالانتر در لبنان ارزش لیر لبنان در مقابل دلار آمریکا که قبل از جنگ اخیر اسرائیل در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) حدود ۳ لیر در مقابل یک دلار بود اینک به بیش از ۴۰۰ لیر درازای یک دلار رسیده و در حالیکه ارزش لیر حدود ۱۵۰ بار سقوط کرده است متوسط حقوق یک کارمند و کارگر چیزی حدود ۳۰۰۰ الی ۴۰۰۰ لیر است. بعنوان مبنائی برای محاسبه، در حال حاضر یک کیلو گوشت گوسفند چیزی حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ لیر قیمت

دارد و این باین معنی است که حقوق ماهانه یک کارمند کفاف زندگی یکی دو روز را می‌دهد و بس و این تازه وضع کارمندان است در حالیکه مستمندان و افرادی بضعاعت وضع دلخراش‌تری دارند. در چنین شرائطی بخش مسیحی نشین علاوه بر اینکه حکومت مارونی لبنان کلیه امکانات کشور را مصروف ارائه خدمات رسانی به آن می‌کند و از سوی کشورهای غربی و امریکا کمکهای مالی و مواد غذائی بآنها میشود کلیه مساعدات سازمانهای بین‌المللی که برای مردم قحطی زده به لبنان ارسال می‌گردد در بخش مسیحی نشین مصروف میشود.

در همین حال احزاب و گروههای غیر مسیحی و شخصیتهای سیاسی مسلمان که در ارتباط با دول غرب و شرق و یا سران مزدور برخی از کشورهای عربی و اسلامی هستند کمکها و مساعدتهای اقتصادی لازم را برای اجرای اطعام و اهداف و سیاستهای استعماری دریافت و قسمتی را در اختیار بخشی از مناطق غیر مسیحی قرار می‌دهند و حتی به فلسطینیها از طرف کشورهای عربی صاف سازمان ملل کمکهای قابل توجهی شده و میشود.

و این تنها مقاومت اسلامی - انقلابیون مسلمان - حزب الله و حرکت‌های اسلامی و مشخص شیعیان و اهل سنت طرفدار امام و انقلاب اسلامی است که شلاق دشمنان اسلام بر سرش فرود می‌آید و در نهایت فقر و تهی‌دستی به مبارزات خود ادامه می‌دهد. لذاست که همانگونه که مردم مسلمان لبنان هرآنچه را که داشتند در طریق اخلاص نهاده و برای اسلام و انقلاب اسلامی فدا نمودند، جمهوری اسلامی و مردم ما نیز می‌بایست هرآنچه در توان دارد در ایاری و همکاری و همسنگری با این مردم مسلمان و شجاع بکار گیرد. البته با توجه به حجم نیاز مسلمانان لبنان بنظر می‌رسد که دولت ما به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیاز آنان نبوده و بایست در یک سطح ملّی برای کمک رسانی به آنان کار بشود. افتتاح حسابی برای کمک به مسلماتان در لبنان در سطح کشور شروع خوبی برای انجام این وظیفه اسلامی است.

اگر مردم ما آگاهی لازم را نسبت به مسائل لبنان پیدا کنند و با احساس مسئولیت سرانه هر روز یک تومان در حساب مخصوص لبنان واریز کنند در ماه بودجه‌ای بمیزان ۱/۵ میلیارد تومان جهت مردم مسلمان لبنان گرد خواهد آمد که با این بودجه عزیزان لبنانی ما در کمال عزت و سربلندی می‌توانند بمبارزات اسلامی خود ادامه دهند.